

A Comparative Study of the Basis of Civil Liability in Common Law and Iran's Law with Special Consideration of Bailee's Liability

Mohammad bagher Parsapour¹

Seyyed Ahmad Hosseini²

Received: 09/05/2019; Accepted: 18/04/2020

Abstract

It appears according to writings in common law and domestic law that it's impossible to consider a single base for civil liability and consequently bailee's liability in all cases. Liability based on negligence, strict liability and objective liability are the concepts that have been explained when discussing the basis of liability. However, it seems that strict liability cannot be an independent base for civil liability and consequently bailee's liability. Th liability based on negligence is rooted in the invocation of damages to the behavior of damage creator and in fact, the negligence is not the principle. On the contrary, the objective liability can have an independent basis for liability. Of course, mentioning these concepts, necessarily does not imply their existence in both said legal systems, but there is notable evidence that support the existence of a thought-provoking affiliation in the foundation of liability in these two systems. Practically, it can be said that, in terms of the efficiency in suppressing the bailee's breach of duty, considering the objective liability and in most strict state, domestic law has accepted absolute liability and is more successful than common law.

Key words: Bailee's Liability, Negligence, Absolute Liability, Objective Liability.



1. Associate Professor of Private Law, Faculty of Law, Tarbiat Modarres University (Corresponding Author); Email: parsapour@modares.ac.ir
2. Ph. D Student in Private Law, Faculty of Law, Tarbiat Modarres University



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعه تطبیقی مبنای مسئولیت مدنی در کاسن، الا و حقوق ایران با توجه ویژه به مسئولیت این

محمدباقر پارساپور^۱

سیداحمد حسینی^۲

تاریخ دریافت ۹۸/۰۷/۱۲ - تاریخ پذیرش ۹۹/۰۱/۳۰

چکیده

از نوشته‌های کامن‌لا و حقوق داخلی چنین برمی‌آید که نمی‌توان همواره، مبنای واحدی را برای مسئولیت مدنی و بالتبع، مسئولیت امین پذیرفت. مسئولیت مبتنی بر تقصیر، مسئولیت محض و مسئولیت عینی مفاهیمی هستند که در بحث از مبنای مسئولیت مدنی به طور کلی شرح داده شده‌اند. اما به نظر می‌رسد مسئولیت محض را نمی‌توان دارای یک مبنای مستقل برای مسئولیت مدنی دانست. مسئولیت مبتنی بر تقصیر نیز ریشه در استناد خسارات وارده به عامل زیان دارد و فی‌الواقع، تقصیر اصلاتی ندارد. در مقابل، مسئولیت عینی می‌تواند دارای یک مبنای مستقل باشد. البته ذکر این مفاهیم، لزوماً به منزله وجود آنها در هر دو نظام حقوقی مذکور نیست اما شواهد زیادی حکایت از قرابت قابل تأمل مبنای مسئولیت در این دو نظام دارد. از حیث عملکرد می‌توان گفت حقوق داخلی در برخورد با نقض وظایف از ناحیه امین، با لحاظ مسئولیت عینی، در مقایسه با کامن‌لا که در سخت‌گیرانه‌ترین حالت، مسئولیت محض را پذیرفته، موفق‌تر است.

واژگان کلیدی: مسئولیت امین، تقصیر، مسئولیت محض، مسئولیت عینی.

۱. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)؛ رایانامه:

parsapour@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس.





مقدمه

روابط امانی^۳ هم در نظام کامن‌لا و هم در حقوق ایران مباحث گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. گستردگی و شمول این روابط بر جنبه‌های عمومی و خصوصی زندگی افراد در جامعه، از حمل و نقل عمومی و قراردادهای کلان میان اشخاص حقوقی گرفته تا قراردادهای خصوصی و جزئی میان اشخاص حقیقی، مسئله‌ای انکارناپذیر است. یکی از مسائل مهمی که در مطالعه این روابط مطرح می‌گردد، مسئولیت امین است. به طور کلی در نظام کامن‌لا و حقوق ایران، در حوزه مسئولیت مدنی، مبانی مختلفی برای توجیه مسئولیت بیان گردیده و مسئولیت امین نیز از این قضیه مستثنی نخواهد بود. تقصیر به عنوان یکی از مبانی عمده مسئولیت مدنی در نظام کامن‌لا همواره مدنظر بوده و در حقوق داخلی نیز وجود ماده (۱) قانون مسئولیت مدنی موجب شده تا بسیاری صحبت از مسئولیت مبتنی بر تقصیر را به میان آورند. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۶۳) مسئولیت محض نیز مفهومی شناخته شده در هر دو نظام حقوقی مورد مطالعه است که معمولاً هنگام بحث از مبانی مختلفی که برای مسئولیت مدنی در نظر گرفته می‌شوند، مورد اشاره واقع گردیده است و بر اساس آن شانس خواهان برای پیروز شدن در دعوای مطالبه خسارت نسبت به مورد قبل بیشتر خواهد بود. هم‌چنین در حقوق داخلی، مسئولیت عینی برای غاصب در نظر گرفته

۳. بیلمنت (bailment) عنوانی است که در کامن‌لا می‌توان برای افاده معنای امانت و روابط امانی به کار برد. به مالک یا کسی که در چنین روابطی کالا را به دیگری تحویل می‌دهد (bailor) و به امین یا متصرف (bailee) گفته می‌شود. به لحاظ استفاده حداکثری از واژگان مأنوس در زبان فارسی از واژگان امانت، مالک و متصرف یا امین استفاده نموده‌ایم و برای تسهیل انتقال مفاهیم و ایجاد تمایز میان این مفاهیم در حقوق داخلی و کامن‌لا، ضمن جداسازی مطالب هر گفتار، معمولاً هنگام استفاده از این عبارات، به حوزه مورد مطالعه (حقوق داخلی یا کامن‌لا) نیز اشاره می‌گردد.





شده که از نظر مبنایی دارای ویژگی خاص خود می‌باشد. از طرفی اهمیت تشخیص و انتخاب مبنای مسئولیت با توجه به آثار و احکامی که در زمینه‌های مختلف از آن ناشی می‌گردد، بر کسی پوشیده نیست. لذا در این مقاله تلاش می‌شود تا به صورت تطبیقی، ضمن توجه به مبنای مسئولیت، به تبیین و نقد آنها پردازیم. البته ذکر این مبنای به منزله پذیرش یکایک آنها به عنوان مبنایی مستقل از دیدگاه نگارندگان نیست. نویسندگان بر این ادعا هستند که ضمن وجود برخی تفاوت‌های مهم، قرابت‌های فراوانی میان مبنای مسئولیت در هر دو نظام حقوقی مورد بحث وجود دارد؛ به گونه‌ای که حتی برخی تصورات نادرست درباره مبنای مسئولیت از جمله قول به استقلال مبنایی مسئولیت محض نیز در این دو نظام مشترک است. البته که تنوع مبنایی در نظام حقوقی ایران این ظرفیت را ایجاد نموده است که در صورت فراهم آوردن بستر مناسب، بتوان در حوزه مسئولیت و جبران خسارت، موفق‌تر از نظام کامن‌لا عمل نمود. ذکر این نکته لازم است که در نظام کامن‌لا، مصادیق روابط امانی (با عنوان بیلمنت) بسیار گسترده است و از آنجا که بهترین معادل برای عبارت مذکور در حقوق داخلی، روابط امانی و ید امانی است؛ این امر موجب شد تا نگارندگان توجه ویژه‌ای به مسئولیت امین نیز داشته باشند. در واقع طرح مباحث در قالب مسئولیت امین بهانه‌ای است تا در یک نگاه کلی مبنای مسئولیت در دو نظام حقوقی مورد مطالعه نیز مورد بررسی قرار گیرد تا هم شناخت مناسبی نسبت به مبنای مسئولیت مدنی در هر دو نظام حقوقی حاصل گردد و هم با توجه به گستردگی بسیار فراوان مباحث مربوط به ید امانی در کامن‌لا به این موضوع توجه خاصی شده باشد.

برای تبیین بهتر موضوع، نوشتار حاضر به سه گفتار تقسیم می‌گردد: در گفتار اول به مسئولیت مبتنی بر تقصیر پرداخته می‌شود. گفتار دوم به مسئولیت محض اختصاص یافته و گفتار سوم مربوط به مسئولیت عینی خواهد بود. به لحاظ طبع تطبیقی این نوشتار، در هر گفتار موضع نظام کامن‌لا و حقوق ایران به صورت مجزا مورد بحث واقع خواهد شد تا خواننده، قرابت‌های مبنایی و در عین حال تنوع و ظرفیت بیشتر حقوق داخلی جهت ایجاد نظام موفق مسئولیت مدنی را ملاحظه نماید.





۱. مسئولیت مبتنی بر تقصیر

تقصیر در کامن لا مفهومی متداول خصوصاً در مبحث tort یا آنچه برخی (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶: ۳۷۴) شبه جرم ترجمه نموده‌اند، است و معمولاً به عنوان مبنای اصلی مسئولیت مدنی مورد توجه قرار می‌گیرد. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۸۲) دیدگاهی که البته به نظر نگارندگان قابل انتقاد است و چنانکه خواهیم دید باید به «قابلیت استناد خسارات به رفتار خوانده» توجه داشت. در حقوق داخلی نیز وجود ماده (۱) قانون مسئولیت مدنی موجب شده تا حقوق دانان بسیاری، صحبت از مسئولیت مبتنی بر تقصیر را به میان آورند. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۶۳) علی‌رغم برخی تفاوتها، به صورت کلی، معیارهای تشخیص تحقق یا عدم تحقق تقصیر در هر دو نظام حقوقی مورد مطالعه یکسان است. زیرا در نظام کامن لا نیز نگاه قاضی به رفتار یک انسان متعارف در شرایط خاص پرونده خواهد بود (Miller, R, L. Cross, 2001: 253) و اساساً مراقبت متعارف نسبت به اموال دیگران به عنوان یک هنجار کلی و اجتماعی مورد پذیرش واقع گردیده است. (Newman, C, M. 33: 2015) در ادامه به بررسی موضع کامن لا و حقوق ایران در این باب می‌پردازیم:

۱-۱. موضع نظام کامن لا

در بسیاری از موارد، اساس مسئولیت مدنی در کامن لا بر قابلیت استناد خسارت به شخص مسئول قرار داده شده و در این باب، به تقصیر وی توجه ویژه‌ای در حد مبنا می‌شود. (داراب‌پور، ۱۳۸۷: ۷۰) مسئولیت امین نیز از این قواعد تبعیت می‌کند. گفته شده که برای تحقق مسئولیت مبتنی بر تقصیر باید چهار شرط محقق گردد: (Miller, Cross, 2001: 254) ۱- وظیفه‌ای متوجه شخص مرتکب باشد. ۲- مرتکب، این وظیفه را نقض کرده باشد. (مرتکب تقصیر شده باشد) ۳- زیان دیده یک زیان قابل مطالبه از نظر حقوقی را متحمل گردیده باشد. ۴- بین نقض وظیفه از سوی مرتکب و ورود خسارت به زیان دیده رابطه سببیت وجود داشته باشد. ملاحظه می‌شود که وظیفه مذکور، بدون توجه به منشأ آن که ممکن است قراردادی یا غیرقراردادی باشد، مورد توجه واقع شده است. در مواردی که قراردادی میان طرفین نباشد و بخواهیم حدود و ثغور تقصیر را بدانیم، باید به عرف توجه ویژه‌ای داشت. (Helmholz, 1992: 97) به طور مثال گفته شده که اگر





کالای موضوع امانت توسط کارمندِ امین به سرقت برود، چنانچه امین در انتخاب کارمندان خود مراقبت و دقت متعارف را به جا نیاورده باشد، در مقابل مالک مسئولیت خواهد داشت. (Williams v. Curzon Syndicate Ltd. [1919] 35 T.L.R. 475. cited in: Dobson, P., 1991: 506). این معیارهای عرفی حتی می‌تواند در رابطه با اصل تصرف نیز متضمن بایدها و نبایدهایی باشد؛ مثلاً گفته شده اگر یک مال، طبیعی باشد (مثلاً یک حیوان باشد)، باید دلیلی منطقی مبنی بر اینکه مال مذکور به ملکیت و تصرف دیگری درآمده، وجود داشته باشد و اگر چنین نباشد می‌توان گفت کسی که نسبت به آن وضع ید کرده، مرتکب تقصیر و هنجارشکنی نشده است. اما اگر مال موردنظر، ساخته‌ی دست بشر و مصنوعی باشد، باید دلیلی بر خلاف آن یافت. یعنی این‌بار باید دلیلی منطقی مبنی بر اینکه مال مذکور در ملکیت دیگری و مورد استحقاق وی نیست، وجود داشته باشد تا وضع ید نسبت به آن تقصیر محسوب نگردد. (Newman, 2015: 18-19) در غیر این‌صورت متصرف مرتکب تقصیر گردیده و با جمع سایر شرایط، مسئولیت خواهد داشت. اما در مواردی رابطه قراردادی میان طرفین وجود داشته باشد، نقض قرارداد به منزله تقصیر خواهد بود و قاعدتاً خوانده دعوی مسئولیت، باید با اثبات بی‌تقصیری خویش (اعم از اینکه تقصیر را شخص ثالث یا حتی خواهان مرتکب شده باشد یا قوه قاهره باعث ورود خسارت شده باشد) بتواند از مسئولیت رهایی یابد و وضعیت امین در روابط امانی مبتنی بر قرارداد نیز تفاوتی ندارد. ولی در کانون لا گفته شده که با اثبات نقض قرارداد از سوی خواهان، خوانده باید صرفاً قوه قاهره را ثابت نماید تا بتواند از مسئولیت رهایی یابد (Dobson, 1991: 506) که همان مفهوم مسئولیت محض را می‌رساند. بنابراین در تمام مواردی که با قرارداد مواجهیم، مسئولیت ناشی از نقض قرارداد، مسئولیت محض خواهد بود! (Helmholz, 1992: 98-99) در حالی که قاعدتاً در مسئولیت مبتنی بر تقصیر، کارکرد قرارداد، صرفاً در حد تسهیل اثبات تقصیر است. یعنی اگر خواهان دعوی مسئولیت مدنی بتواند ثابت کند که قرارداد نقض شده، گویی تقصیر خوانده را ثابت کرده و حالا خوانده باید ثابت کند که تقصیری مرتکب نشده تا بتواند از مسئولیت رهایی یابد. یعنی یا باید قائل به این مطلب شویم که در صورت وجود قرارداد، به هیچ عنوان مسئولیت مبتنی بر تقصیر



(یا به عبارت بهتر مسئولیت مبتنی بر قابلیت استناد خسارات به رفتار مرتکب) نخواهیم داشت! یا اینکه مسئولیت محض را فاقد استقلال مبنایی و نوع خاصی از مسئولیت مبتنی بر تقصیر (یا به عبارت بهتر مسئولیت مبتنی بر قابلیت استناد خسارات به رفتار مرتکب) تلقی نماییم که در آن صرفاً دفاعیات خواننده محدودتر از دفاعیات پیش گفته در ابتدای این بند است. مسئولیت امین نیز از این امر مستثنی نبوده و بر خلاف حقوق داخلی، مشمول احکام خاص واقع نمی‌شود.

مسئله‌ای که باید به آن توجه شود این است که با توجه به دیدگاه حاکم بر کامن‌لا در روابط قراردادی از جمله روابط امانی - که با نقض قرارداد، مسئولیت را در هر حال متوجه ناقض می‌داند مگر اینکه بتواند تأثیر قوه قاهره را ثابت نماید - وقتی خواننده، تقصیر شخص ثالث در بروز خسارت را ثابت نماید، لزوماً به معنای اثبات قوه قاهره است؟ مسلماً خیر. بنابراین با وضعیتی مواجهیم که شخصی مرتکب تقصیر نشده، ولی همچنان مسئول جبران خسارت است. در چنین شرایطی اگر استقلال مبنایی مسئولیت محض را نپذیریم (چنانکه خواهد آمد)، مصداقی را یافته‌ایم که مسئولیت محقق است ولی خواننده مرتکب تقصیر نشده است. ابهام ایجاد شده بدین ترتیب مرتفع می‌شود: همانطور که در ابتدای کلام ذکر شد، آنچه مبنای مسئولیت مدنی است، قابلیت استناد خسارات به رفتار خواننده است و تقصیر صرفاً طریقت دارد.

ناگفته نماند که در نظام کامن‌لا تقصیر درجاتی دارد و به تقصیر سبک، تقصیر معمولی و تقصیر سنگین تقسیم می‌گردد. (Hudson, 2004: 250) تأثیر این نگرش در روابط امانی بدین نحو نمود پیدا می‌کند که در کامن‌لا چنانچه صرفاً امین از رابطه امانی سود ببرد (نظیر عاریه) برای تحقق مسئولیت وی، تقصیر سبک کافی خواهد بود زیرا بالاترین درجه مراقبت را از او انتظار داریم و با کوچکترین تقصیر، او را مسئول می‌دانیم. اما اگر صرفاً مالک از رابطه امانی سود ببرد (نظیر ودیعه)، برای تحقق مسئولیت، باید تقصیر سنگین از ناحیه امین رخ دهد زیرا عرفاً درجه پایینی از مراقبت از مال امانی، مورد انتظار است. چنانچه مالک و امین هر دو از رابطه امانی منتفع گردند، تقصیر معمولی منجر به بروز مسئولیت خواهد بود زیرا مراقبت معمولی از مال امانی کافی است. لذا ملاحظه می‌شود که





این موضوع مستقیماً در میزان مراقبتی که امین باید نسبت به مال مورد امانت به جا آورد، تأثیرگذار خواهد بود (Miller, Jentz, 2010: 597) ولی نباید تصور تفاوت مبنای مسئولیت امین در هر یک از این حالات، به ذهن خطور کند.

۲-۱. موضع حقوق ایران

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، وجود ماده (۱) قانون مسئولیت مدنی باعث شده تا حقوق دانان، تقصیر را به عنوان مبنای مسئولیت مدنی لحاظ کنند. در حالیکه با توجه به موادی نظیر ماده (۵۳۳) قانون مجازات اسلامی تعزیرات، تقصیر به عنوان یک مبنای مستقل در حوزه تعهدات و مسئولیت مدنی قابل طرح نیست و آنچه حائز اهمیت است، قابلیت استناد ضرر به رفتار مرتکب است و تقصیر صرفاً طریقی برای اثبات این موضوع می‌باشد. عده‌ای (وحدتی شبیری، ۱۳۸۵: ۱۷۹) بیان داشته‌اند که در فقه امامیه فروعی به چشم می‌خورد که در آنها مسئولیت مدنی - خواه قراردادی خواه غیرقراردادی - به صراحت بر عنصر تقصیر استوار شده است که با توجه به مطالب پیش گفته می‌توان گفت تقصیر هر چند که مورد اشاره و تأکید فقها (علامه حلی، بی تا: ۵۴۱) قرار گرفته باشد، از اصالت وجودی برخوردار نیست و آنچه مهم است، انتساب خسارات وارده به رفتار خواننده است. کما اینکه اشارات زیادی در فقه به استناد خسارات به رفتار مرتکب شده و لزوماً سخنی از تقصیر به میان نیامده است. (الموسوی الخمینی، ۱۳۹۲: ۱۸۷ و فاضل لنکرانی، ۱۳۸۷: ۲۵)

وحدت مبنای مسئولیت مدنی در قراردادها و مسئولیت خارج از قرارداد در حقوق داخلی مورد پذیرش واقع گردیده (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۸: ۸۸) و در فقه نیز تفکیکی از این لحاظ صورت نگرفته است. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۴۰) بنابراین برخلاف نگاه خاص کامن‌لا به مصادیق قراردادی، در حقوق داخلی وجود قرارداد و نقض آن صرفاً اثبات قابلیت استناد خسارات به رفتار مرتکب را تسهیل می‌کند و در مصادیق غیرقراردادی نیز توجه به مفاد مواد (۹۵۱) و (۹۵۲) و (۹۵۳) قانون مدنی راه گشا خواهد بود.



۴. ماده مذکور چنین بیان می‌دارد: «هر گاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند، به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند»



مسئله‌ای که باید به آن توجه شود این است که آیا در روابط امانی نیز همین وضعیت جاری است؟ در حقوق داخلی وجود قاعده «علی‌الید ما أخذت حتی تؤدیه» شرایط خاصی را ایجاد کرده است. زیرا با نقض قرارداد از ناحیه امین، وی در واقع از حدود اذن یا متعارف فراتر رفته و مشمول قاعده علی‌الید واقع می‌گردد. همین وضعیت در مواردی نیز که رابطه قراردادی بین مالک و متصرف موجود نیست (امانت شرعی)، حاکم است و می‌توان از مواد (۹۵۱) و (۹۵۲) قانون مدنی برای تعیین حدود تصرفات مجاز امین کمک گرفت. با ورود خسارت و شمول قاعده فوق، امین تحت هر شرایطی مسئول است و نیازی به اثبات انتساب ضرر به وی نیست تا بخواهیم از تقصیر وی برای اثبات این انتساب کمک بگیریم که به آن مسئولیت عینی گفته می‌شود و بعداً به تشریح آن خواهیم پرداخت. اما نکته مهمی که باید در پاسخ به این سؤال مدنظر داشت این است که حتی با شمول قاعده علی‌الید، مانعی نیست تا خواهان، دعوی جبران خسارت را بر مبنای تقصیر (به عبارت بهتر استناد خسارات به خواننده) مطرح نماید؛ خواه رابطه قراردادی وجود داشته باشد خواه قراردادی در بین نباشد؛ چنانکه برخی از فقها هنگام تشریح مسائل غصب، به تسبیب نیز اشاره کرده و منعی برای طرح دعوا از این طریق ندیده‌اند. (رشتی، بی تا: ۳۳-۲۹) به عنوان مثال در قرارداد اجاره، مستأجر در عین حال که ید امانی نسبت به عین مستأجره دارد، یک رابطه قراردادی با موجر نیز دارد که در صورت نقض آن، موجر می‌تواند بر مبنای تقصیر (قابلیت استناد خسارات وارده) علیه مستأجر طرح دعوا نموده و وجه التزام قراردادی را مطالبه کند که در چنین شرایطی قراردادی بودن رابطه امانی و اثبات نقض قرارداد صرفاً تحقق تقصیر را ثابت می‌نماید. (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۱۸) و فاعل زیان می‌تواند دفاعیات خاص خود را داشته باشد در حالیکه اگر دعوا بر مبنای مسئولیت عینی مطرح شود هیچ دفاعی از او مسموع نخواهد بود. لذا نباید این تصور ایجاد شود که روابط امانی به طور کامل وضعیت متفاوتی دارند و حتماً باید مسئولیت عینی در مورد آنها اعمال گردد زیرا در حقوق داخلی، اختیار انتخاب مینا و جهت طرح دعوا با خواهان است. بنابراین به نظر می‌رسد پاسخ سؤال مذکور مثبت است.





لازم به ذکر است که در حقوق داخلی بر خلاف آنچه در کامن‌لا حاکم است، درجه-بندی برای تقصیر وجود ندارد و نمی‌توان از تقصیر سبک و سنگین سخن به میان آورد. هر چند که در ماده (۱۶) قانون «بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» مصوب ۱۳۹۵ اشاره‌ای به «درجه تقصیر» شده؛ ولی به نظر می‌رسد استفاده قانونگذار ایرانی از این عبارت را باید حمل بر مسامحه نمود و منظور از آن را همان «میزان تأثیر» مندرج در ماده (۵۲۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دانست. در نتیجه در حقوق داخلی چنانچه خواهان با صرف‌نظر از شمول عنوان غصب، دعوی خود را بر مبنای استناد خسارات وارده به رفتار خوانده مطرح نماید، و در این راه تقصیر را طریق اثبات این استناد تلقی نماییم، هیچ تفاوتی میان نوع تقصیر ارتكابی از ناحیه امین نخواهد بود.

۲. مسئولیت محض

این نوع از مسئولیت را مسئولیت بدون تقصیر نیز نام نهاده‌اند. (Miller, Cross, 2001 : 271) لذا گفته شده که اساساً در این نوع از مسئولیت به دنبال اثبات وجود بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی نیستیم. (داراب‌پور، ۱۳۸۷ : ۷۰) و گفته شده که در واقع در این نوع از مسئولیت به دنبال یافتن علت بروز خسارت نخواهیم بود. (Mann, Roberts, 2010 : 1047) در این موارد دادگاه اهمیتی نمی‌دهد که آیا رفتار خوانده از سر تقصیر بوده یا توأم با حسن نیت و این موضوع در برخی پرونده‌ها (Dispeker v. New S. Hotel Co., 373 S.W.2d 904, cited in: Helmholz, R, H, 1992 : 126 (Tenn. 1963). 906) به صراحت از ناحیه دادگاه اعلام گردیده است. در دعوایی که بر اساس مسئولیت محض مطرح گردیده باشد، صرفاً اثبات قوه قاهره یا موارد مصرح توسط قانون است که می‌تواند منجر به رهایی خوانده از مسئولیت مدنی گردد. در ادامه موضع دو نظام حقوقی مورد مطالعه را در این خصوص به تفکیک بررسی می‌نماییم تا ببینیم که آیا این مسئولیت از استقلال مبنایی برخوردار است یا خیر؟





۲-۱. موضع نظام کامن لا

از نوشته‌های حقوقدانان کامن لا چنین برداشت می‌شود که برای مسئولیت محض^۵ می‌توان نوعی استقلال مبنایی قائل گردید. به گونه‌ای که در کنار طرح بحث از مسئولیت مبتنی بر تقصیر، به صورت جداگانه به موضوع حاضر نیز اشاراتی شده است. اما همان‌گونه که دیدیم، آنچه در کامن لا مبنای اصلی مسئولیت مدنی است، قابلیت استناد خسارات وارده به عامل زیان است و تقصیر در این زمینه طریقت دارد. برخی از حقوقدانان (Zimmermann, 1990 : 1140) تلویحاً به این نکته اشاره دارند؛ آنجا که آورده‌اند: «...در برخی موارد دادگاهها استانداردهای مراقبتی مورد انتظار از خواننده را به حدی گسترش می‌دهند که تمیز آن از مسئولیت محض دشوار است...» نگاه این حقوقدان در عبارت مذکور به بار اثبات دعوا بوده و در واقع توجه داشته که با افزایش استانداردهای مراقبتی، اثبات تقصیر (قابلیت استناد خسارات به رفتار خواننده) از خواهان مطالبه نمی‌شود و اثبات بی‌تقصیری از ناحیه خواننده نیز بسیار مشکل می‌شود گویی که مسئولیت وی تبدیل به مسئولیت محض شده است و از این حیث تفاوتی میان روابط قراردادی و غیرقراردادی نیست. لذا به نظر می‌رسد با یک نگاه عمیق به مسئله می‌توان ادعا کرد که مسئولیت محض، برگرفته از یک مبنای مستقل برای مسئولیت مدنی نخواهد بود. زیرا در مصادیق این مسئولیت، آنچه به وضوح مشهود است، تغییر در بار اثبات دعوا است. یعنی خواهان با اثبات ورود خسارت، خواننده را در معرض مسئولیت قرار می‌دهد و حالا این خواننده است که برای فرار از مسئولیت باید قوه قاهره یا سایر موارد مصرح توسط قانونگذار یا رویه قضایی را ثابت نماید. مثلاً در برخی تألیفات نیز فعل شخص ثالث به عنوان یکی دیگر از دفاعیات مؤثر در برابر مسئولیت محض معرفی گردیده است. (Vera Bermingham, 132 : 2005) علاوه بر تلقی فعل شخص ثالث به عنوان مصداقی از قوه قاهره، می‌توان از زاویه‌ای دیگر نیز به مسئله نگاه کرد: اگر ثابت شود که خسارات وارده به خواهان، مستند به فعل شخص ثالث است، در واقع خواننده‌ی دعوا به درستی انتخاب نشده و دعوای





مسئولیت باید به طرفیت ثالث و بر مبنای قابلیت استناد خسارات وارده به رفتار وی مطرح شود و در چنین مواردی در واقع با مبنای مستقلی در مورد مسئولیت مدنی مواجه نیستیم. به هر حال در این نوع از مسئولیت، فرض بر استناد خسارات به اعمال و رفتار خواننده است و دادگاه تنها در صورتی حاضر به کنار گذاشتن این فرض است که خواننده بتواند قوه قاهره یا سایر موارد به شرح پیش گفته را اثبات نماید. پرواضح است که محدود نمودن دفاعیات قابل استماع از ناحیه خواننده دعوا را نباید به معنای ایجاد مبنای جدید برای مسئولیت مدنی تلقی نمود. زیرا در بحث از مبنای مسئولیت باید به دنبال چرایی ایجاد مسئولیت بود که مسئله‌ای ریشه‌ای است و نباید آن را با مباحث بار اثبات دعوا خلط نمود. چنانکه در ادامه با ذکر چند مثال مهم از مصادیق مسئولیت محض خواهیم دید، وضعیت در مورد مسئولیت امین نیز به همین صورت است:

قبلاً دیدیم در کامن‌لا، ادعا شده که عمده مصداق تحقق مسئولیت محض را باید در مواردی که قرارداد نقض می‌گردد، جستجو نمود. بدین صورت که اگر امین از آنچه که در قرارداد خویش با مالک مقرر گردیده، تخطی کند، در برابر خسارات وارده مسئولیت محض خواهد داشت. این مفهوم تحت عنوان انحراف از مسیر قراردادی نیز مورد بحث واقع می‌گردد. چنان که در پرونده ناتان علیه شرکت انبارداری ترمونت، (Nathan v. Tremont Storage Warehouse, Inc, cited in: Helmholz, 1992 : 114) شرکت انباردار (خواننده) بدون توافق با مالک اقدام به انتقال کالاهای انبار شده از طبقه پنجم انبار به زیرزمین نمود و در زیرزمین، کالاها بر اثر آتش‌سوزی که بدون تقصیر خواننده واقع شده بود از بین رفتند. در این پرونده دادگاه امین را مسئول دانست زیرا وی نتوانست نشان دهد که جابجایی کالاها با رضایت مالک بوده یا خسارات، ناشی از قوه قاهره است. در حالی که اساساً شرط صریحی مبنی بر انبار نمودن کالاها در طبقه پنجم نبود و حتی ثابت نشده بود که طبقه پنجم از زیرزمین امن‌تر است؛ بلکه صرفاً وقتی مالک کالاها را آورده بود، به او گفته شده بود که کالاها در طبقه پنجم نگهداری خواهند شد و به همین دلیل





چنین برداشت شد که جابجایی بعدی، مصداق انحراف از مسیر قراردادی است. (Helmholz, 1992 : 113) همچنین اگر متصدی حمل و نقل که امین است، کالا را از مسیری غیر از آنچه توافق شده حمل نماید یا در جایی غیر از آنچه توافق شده انبار نماید و ... مسئولیت محض در برابر خسارات وارده به مال موضوع امانت خواهد داشت مگر تأثیر قوه قاهره در بروز خسارت را ثابت نماید. (Bridge, 2015 : 65)

یکی دیگر از مواردی که مسئولیت محض در کامن لا محقق می‌گردد، غصب^۷ است و از این حیث تفاوتی میان مصادیق قراردادی و غیر قراردادی نخواهد بود. (Clarke, 561 : 2005) Kohler غصب گاهی با نقض مقررات قانونی و در نتیجه، تعدی به مالکیت مالک محقق می‌گردد. چنانکه اگر انباردار، به عنوان امین، بدون رعایت مقررات بخش (۲۱۰) ماده (۷) مقررات تجاری متحدالشکل^۸ اقدام به اعمال حق حبس خود نماید غاصب تلقی خواهد شد. (Mayer, Warner, Siedel, Lieberman, 2012 : 834) عده‌ای (Newman, 2015 : 33) نیز خروج از مسیر قراردادی را که به آن اشاره شد، موجب تحقق غصب دانسته‌اند. برای تحقق غصب به عنوان یکی از اعمال ضمان‌آور عمدی، لازم است که یک رفتار مثبت و عامدانه از شخص نسبت به مالی سر بزند (Helmholz, 1992 : 132-133) منظور از عمدی بودن عمل، داشتن سوءنیت نیست بلکه منظور عمدی بودن نفس عملی است که از جانب شخص سر زده است. چنانکه گفته شده حتی اگر شخصی از سارق، اموال مسروقه را بخرد در حالی که از مسروقه بودن آنها اطلاع نداشته همچنان امکان تحقق غصب وجود دارد و اگر مالک بر این مبنا علیه او اقامه دعوا کند وی مسئول است. همچنین اشاره شده که حتی اگر شخصی اشتبهاً تصور کند که حقی نسبت به مال دیگری دارد، باز هم ممکن است که مرتکب غصب شده باشد و نتیجتاً این قسم از اعمال ضمان‌آور می‌تواند یک عمل کاملاً بی‌گناهانه باشد (Miller, Cross, 2001 : 252) و علم یا جهل متصرف در خصوص مالکیت غیر نسبت به مال مورد تصرف، تأثیری در نتیجه نخواهد داشت. (Hickey, in: Cooke, 2007 : 113-114) به نظر می‌رسد چنین نتایجی

7 . Tort of Conversion

8 . Uniform Commercial Code





باعث شده تا حقوق‌دانان کامن‌لا با اشاره به مسئولیت محض، مبنایی متفاوت از مسئولیت مبتنی بر تقصیر برای غصب در نظر بگیرند. اما آنچه نباید مغفول بماند این است که در مانحن‌فیه، برخلاف حقوق داخلی، در واقع طریق اثبات انتساب خسارات به رفتار خواننده (مثلاً شخص امین) بسیار آسان گردیده و اوست که باید برای رهایی از مسئولیت، موارد معاف‌کننده نظیر قوه قاهره را ثابت کند ولی این موضوع به معنای استقلال مبنایی مسئولیت غاصب در نظام کامن‌لا نیست. لذا چنانکه دیدیم در هیچ‌یک از دو مصداق شایع مسئولیت محض در کامن‌لا (نقض قرارداد و غصب)، مبنایی متفاوت از قابلیت استناد خسارات به رفتار فاعل زیان، برای تحقق مسئولیت امین نیز وجود ندارد و از این حیث تفاوتی میان قراردادی و غیر قراردادی بودن رابطه مالک و امین نیست.

از طرفی لازم به ذکر است که امروزه در کامن‌لا سعی در محدود نمودن مصادیق مسئولیت محض شده است. (4 : 64 Bridge, 2015) به عنوان مثال برخی از حقوق‌دانان کامن‌لا اشاره دارند که اگر انحراف از مسیر قراردادی جزئی باشد، مسئولیت محض برای امین ایجاد نخواهد شد. (116 : 1992 Helmholtz) زیرا نقض جزئی قرارداد به منزله تقصیر سبک بوده و در مقابل نقض اساسی قرارداد به عنوان یک تقصیر سنگین قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد تفکر این دسته از حقوق‌دانان جهت محدود نمودن مصادیق مسئولیت محض، با در نظر داشتن ارتباط تام آن با تقصیر، ریشه در درک این حقیقت دارد که مسئولیت محض دارای مبنای مستقل نبوده و از مبنای اساسی مسئولیت در نظام کامن‌لا که همانا استناد خسارات به خواننده دعواست پیروی می‌کند که این امر مهر تأیید دیگری بر ادعای نگارندگان است.

۲-۲. موضع حقوق ایران

در نوشته‌های حقوق داخلی نیز از مسئولیت محض سخن به میان آمده و آن را به مسئولیت بدون تقصیر معنا کرده‌اند که برای رهایی از آن نیاز به اثبات قوه قاهره یا آنچه در حکم آن است، خواهد بود. (کاتوزیان، ۱۳۹۵ : ۲۰۵-۲۰۴) اما نگارندگان معتقدند که در حقوق داخلی نیز نمی‌توان این نوع از مسئولیت را دارای یک مبنای مستقل دانست. توضیحات لازم در خصوص علت این برداشت در مطالب مربوط به موضع کامن‌لا ارائه





گردید که با عنایت به اینکه در حقوق داخلی نیز مبنای اصلی مسئولیت، قابلیت استناد خسارات به رفتار عامل زیان می‌باشد، همان مطالب در حقوق داخلی نیز جاری خواهد بود. البته باید به تفاوت‌های ذیل توجه شود:

یکی از مصادیق مسئولیت محض در کامن‌لا که به آن اشاره رفت، نقض قرارداد و انحراف از مسیر قراردادی است. این در حالی است که می‌دانیم در حقوق داخلی، نقض قرارداد و خروج از مسیر آن، صرفاً از جهت اثبات قابلیت استناد خسارات به رفتار عامل زیان مؤثر است. اما در مورد امین، کوچکترین انحراف از مسیر قراردادی، خروج از حدود اذن محسوب شده و منجر به شمول احکام غضب بر متصرف شده و مسئولیت عینی را متوجه او می‌نماید همچنین برخلاف کامن‌لا، در حقوق داخلی نمی‌توان تفاوتی میان نقض جزئی و اساسی قرارداد قائل شد و در هر دو حال به صرف تحقق تعدی یا تفریط حکم به تحقق غضب داده خواهد شد. (حسینی، ۱۴۱۷: ۴۴۶) البته لازم است به اختیار مالک در انتخاب جهت طرح دعوا به شرح مطالب پیشین نیز توجه شود که به دلیل پرهیز از اطاله کلام، تکرار نمی‌گردد.

مورد دیگری که در بحث از موضع کامن‌لا، به عنوان علت شایع ایجاد مسئولیت محض مطرح شد، غضب با تعریف خاص آن است. هر چند مفهوم غضب در حقوق داخلی شباهت‌هایی با همین عنوان در کامن‌لا دارد، (معتمدی و گوهریان ۱۳۹۰: ۱۴۰) ولی در باب مسئولیت مدنی ناشی از آن، اوضاع و احوال متفاوتی بر این مفهوم در دو نظام حقوقی مورد مطالعه حاکم است. غضب در حقوق داخلی موجب ایجاد مسئولیتی فراتر از مسئولیت محض (که صرفاً در بار اثبات دعوا دخالت دارد) برای غاصب خواهد شد که در گفتار بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اهمیت روابط امانی در مانحن‌فیه به این نکته برمی‌گردد که از نظر آماری، تعداد قابل توجهی از مصادیق تحقق مسئولیت عینی، ناظر به روابط امانی است که با تخطی امین منجر به تبدیل ید امانی به ید غاصبانه و بروز مسئولیت عینی می‌شود.





۳. مسئولیت عینی

مسئولیت عینی یا به تعبیر برخی از حقوق‌دانان داخلی (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۸: ۳۱) مسئولیت مطلق، بیانگر نوعی از مسئولیت است که در آن، اثباتِ انتسابِ خسارات به عامل زیان لازم نیست و خسارت به هر علتی که وارد گردد منجر به تحقق مسئولیت خواهد شد. (بهجت، بی‌تا: ۴۳۸) لذا اثبات مواردی نظیر قوه قاهره نیز تأثیری در نتیجه حاصله نخواهد داشت. این موضوع سبب می‌شود خواهان در دعوای مطالبه خسارات وارده، به راحتی امکان پیروز شدن را یافته و عملاً خواننده راهی برای فرار از مسئولیت نداشته باشد. لذا موضوع بر خلاف آنچه در مسئولیت محض می‌گذرد، بسیار فراتر از بار اثبات است؛ یعنی به نظر می‌رسد بر خلاف مسئولیت محض که مبنای مستقلى نداشت و صرفاً تغییراتی در دفاعیات در دسترس خواننده ایجاد نموده بود، مسئولیت عینی از استقلال مبنایی برخوردار است و این مبنا عبارت است از ورود ضرر. به عبارت ساده‌تر، به صرف ورود ضرر، مسئولیت ایجاد خواهد شد و نیازی به اثبات انتساب آن به خواننده دعوا و بالتبع، ورود به مسائل مربوط به بار اثبات دعوا نیست.

در گفتار قبل دیدیم که امین با خروج از حدود اذن مشمول احکام غصب واقع گردیده و مسئولیتی را که حسب مورد در کامن‌لا و حقوق داخلی برای غاصب در نظر گرفته می‌شود، تحمل خواهد نمود. در ادامه به تشریح موضع دو نظام کامن‌لا و حقوق داخلی در این خصوص می‌پردازیم:

۳-۱. موضع نظام کامن‌لا

بررسی‌های نگارندگان نشان می‌دهد این نوع از مسئولیت در نظام کامن‌لا وجود ندارد؛ یعنی هیچ مصداقی یافت نمی‌شود که در آن به صرف ورود ضرر، مسئولیت محقق شده و خواننده دعوای جبران خسارت، راهی برای معافیت از مسئولیت نداشته باشد. همان‌گونه که در گفتار قبل دیدیم، حتی برای غاصب نیز مسئولیت محض در نظر گرفته می‌شود. پس چنانچه امین از حدود اذن ناشی از قانون یا قرارداد تخطی کند، مسئولیت محض را متوجه





خود می‌کند که عملاً از حیث مبنایی مساوی با همان مسئولیت مبتنی بر تقصیر است. (قابلیت استناد خسارات به رفتار مرتکب)

مسئولیت بیمه‌گر نیز نمی‌تواند مصداقی برای مسئولیت عینی باشد. در تعریف بیمه‌گر چنین آمده: «کسی که بر اساس یک قرارداد توافق می‌کند که ریسک خسارات وارده به دیگری را بر عهده بگیرد و آن را جبران نماید» (Garner, 2004 : 823) بر این اساس آنچه در مورد بیمه می‌گذرد، در واقع مسئولیت مدنی به معنای دقیق کلمه نیست تا بخواهیم از مبنای آن سخن به میان آوریم زیرا بیمه‌گر «مسئولیت» جبران خسارت را بر عهده ندارد؛ بلکه با توجه به قرارداد بیمه «تعهد» نموده که اگر بیمه‌گذار در معرض مسئولیت واقع گردید به جای او اقدام به پرداخت خسارت نماید. این مبلغ نیز معمولاً بر اساس قرارداد دارای سقف معینی خواهد بود.

مسئولیت ناشی از فعالیتهای هسته‌ای به عنوان یکی از شدیدترین انواع مسئولیت در نظام کامن‌لا نیز نمی‌تواند مصداقی از مسئولیت عینی باشد. زیرا در مورد این قسم از مسئولیت نیز صحبت از رعایت استانداردهای مراقبتی شده و از طرفی با برخی استثنائات قانونی نیز مواجه گردیده است (Mayer, Warner, Siedel, Lieberman, 2012 : 158) که تلقی آن را به عنوان یکی از مصادیق مسئولیت عینی ناممکن می‌سازد. لذا همان‌گونه که در ابتدای این بند اشاره گردید، نمی‌توان صحبت از پذیرش مسئولیت عینی در نظام کامن‌لا به میان آورد. البته بدیهی است همانند هر تحقیق دیگری در نظام‌های حقوقی بیگانه امکان پنهان ماندن مطالبی از دید نگارندگان وجود خواهد داشت و آنچه بیان گردید حاصل جستجوی فراوان در مصادیق مسئولیت و خصوصاً شدیدترین مصادیق آن بود که هیچ یک انطباقی با مفهوم مسئولیت عینی نداشت.

۲-۳. موضع حقوق ایران

تا آنجا که بررسی‌های نگارندگان نشان می‌دهد، غیر از غصب و آنچه در حکم غصب است، مصداق دیگری از مسئولیت عینی در حقوق داخلی وجود ندارد. غصب گاهی بدون وجود یک رابطه قراردادی و به صورت ابتدایی رخ می‌دهد؛ نظیر حالتی که شخصی مال





دیگری را بر باید یا بدون اطلاع از مالکیت غیر، در آن تصرف نماید. گاهی نیز رابطه قراردادی میان مالک و متصرف وجود دارد و متصرف ابتدائاً «امین» بوده و بعداً به لحاظ خروج از حدود اذن و قرارداد، مشمول احکام غصب واقع می‌گردد. (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۳۲۴) آنچه اهمیت دارد این است که در حقوق داخلی فرقی میان این دو حالت از حیث مبنای مسئولیتی که متوجه متصرف (از باب غاصب بودن و نه از باب نقض قرارداد و ارتکاب تقصیر) است نخواهد بود.

جز در موارد اتلاف و تسبیب، به طور کلی امین مسئولیتی در قبال خسارات وارده به کالای موضوع رابطه امانی ندارد؛ مگر اینکه تعدی و تفریطی از جانب وی سر زده باشد. برخی از حقوقدانان (زراعت، ۱۳۹۲: ۱۱۵) اشاره دارند که از مجموع مطالب فقها در باب دلایل عدم ضمان امین می‌توان این هفت مورد را به دست آورد: ۱- روایات ۲- اجماع محصل که از تحقیق در سخنان فقها به دست می‌آید. ۳- اجماع منقول که در حد متواتر بیان شده است. ۴- امین محسن است و به استناد قاعده احسان مسئولیت ندارد. ۵- اگر امین ضامن شود هیچ کس حاضر نیست امین شود و این خود سبب عسر و حرج می‌گردد (استناد به نفی عسر و حرج) ۶- ضمانت امین موجب اضرار به وی می‌گردد و این در حالی است که نمی‌توان گفت وی علیه خویش اقدام نموده است. خصوصاً اینکه در برخی موارد به حکم شرع مکلف به قبول امانت است. (استناد به قاعده لا ضرر) ۷- اذن مالک یا شارع، حسب مورد، اذن به عدم ضمان نیز هست. به این صورت که شارع یا مالک، امین را ضامن نمی‌دانند و اذن خود را مقید به عدم ضمان نموده‌اند. اما تمام این دلایل تا زمانی مؤثر خواهند بود که امین از حدود اذن فراتر نرود. با خروج امین از حدود اذن، وی مشمول قواعد «علی‌الید ما أخذت حتی تؤدیه» و «یؤخذ الغاصب باشق الاحوال» می‌گردد. در این حالت او مسئول تمامی خسارات وارده به مال موضوع امانت خواهد بود؛ حتی اگر آن خسارات منتسب به قوه قاهره باشند. هر چند که برخی از فقها (سبحانی. مدرسه فقهات: <http://bit.ly/2AebUhr>. آخرین بازدید: ۹۸/۲/۴) در این خصوص تردید کرده و معتقد





به لزوم مصالح میان مالک و غاصب هستند؛ اما شاذ بودن این قول بر کسی پوشیده نیست. چنانکه قانون مدنی نیز آن را نپذیرفته و مسئولیت عینی غاصب را محرز دانسته است. ماده ۶۱۶ قانون مدنی در این باره بیان داشته: «هر گاه رد مال و دیعه مطالبه شود و امین از رد آن امتناع کند، از تاریخ امتناع، احکام امین به او مترتب نشده و ضامن تلف و هر نقص یا عیبی است که در مال و دیعه حادث شود؛ اگر چه آن عیب یا نقص مستند به فعل او نباشد.»

دیدیم که یکی از قواعدی که غاصب مشمول آن می‌گردد، قاعده علی‌الید است. در رابطه با مفهوم این قاعده تردید شده که از آن حکم وضعی ضمان برداشت می‌گردد یا حکم تکلیفی مبنی بر رد مال به مالک؟ عده‌ای (محقق داماد، ۱۳۹۸: ۹۱-۹۰) در توضیح این مطلب بیان داشته‌اند که شاید بهترین توجیه در برداشت حکم تکلیفی یا وضعی از حدیث علی‌الید، این باشد که بگوییم «ما» در عبارت حدیث به مال برمی‌گردد؛ یعنی مال اخذ شده بر عهده طرف است و از آنجا که ذمه ظرف اعیان نیست (مؤمنی، ۱۳۸۰: ۱۳۷) (عده‌ای (آخوند خراسانی، ۱۴۰۶: ۳۸) عین را داخل در عهده دانسته‌اند) لذا در نهایت چنین برداشت می‌گردد که تا زمان وجود مال، ا فراغ ذمه با رد عین میسر خواهد شد و با تلف مال مذکور، ا فراغ ذمه حسب مورد با پرداخت مثل یا قیمت صورت خواهد پذیرفت. (موسوی خویی، ۱۳۷۷: ۱۹۳) یعنی تا زمانی که تلف صورت نگیرد دلیلی برای انتقال عین به بدل وجود ندارد (قمی، بی‌تا: ۲۶۲) و این برداشت مورد امضای عرف نیز است. توجه به این قاعده از این جهت دارای اهمیت است که اولاً با در نظر گرفتن حکم وضعی ناشی از این قاعده است که می‌توان از امکان تحقق مسئولیت و بالتبع مسئولیت عینی (بعد از تلف مال) برای امین سخن گفت. ثانیاً اطلاق عبارات قاعده مورد بحث و شمول آن نسبت به تمامی حالات و شرایطی که ممکن است برای غاصب و مال مغضوب رخ دهد، توجیه کننده مسئولیت عینی غاصب خواهد بود. ثالثاً غایت زمانی امکان تحقق مسئولیت عینی را نیز نمایان می‌سازد که همانا رد مال به مالک خواهد بود. در نقطه مقابل جالب است که در انگلیس غاصب می‌تواند علی‌رغم وجود عین از بازگرداندن آن امتناع و قیمت آن را به





مالک پردازد. (معمدی و گوهریان، ۱۳۹۰: ۱۴۸) در آمریکا نیز وضعیت به همین صورت است. (صفایی، ۱۳۹۷: ۱۶۱)

قاعده دیگری که در این باب به آن اشاره رفت و می‌تواند در توجیه مسئولیت عینی غاصب به عنوان مسئولیتی با مبنای مستقل، مورد توجه واقع گردد، قاعده «يؤخذ الغاصب باشق الاحوال» است. یکی از آثار این قاعده را می‌توان در موردی یافت که شخصی مال دیگری را غصب نموده و سپس شرایطی پیش آمده که علی‌رغم وجود عین مال، رد آن به مالک مستلزم ورود ضرر بزرگی به غاصب خواهد بود. نظیر موردی که غاصب، مال دیگری را غصب کرده و به صورت مصالح در بنایی به کار برده باشد. در رابطه با حکم شرعی این حالت میان فقها اختلاف حادث شده: برخی (محقق داماد، ۱۳۹۸: ۱۱۰-۱۰۵) معتقدند که در چنین مواردی اگر رد عین مستلزم ورود ضرر عظیمی به غاصب باشد، می‌توان به جای رد عین، حکم به پرداخت مثل یا قیمت داد و در این راستا به قاعده لاضرر اشاره می‌کنند (نجفی، ۱۹۸۱: ۷۶) و حتی اشاره شده که دلیلی بر ترجیح قاعده «يؤخذ الغاصب باشق الاحوال» بر قاعده لاضرر و لاجرم وجود ندارد. (حسینی روحانی قمی، ۱۳۷۶: ۳۸۳) در نقطه مقابل برخی دیگر (موسوی خویی، ۱۳۷۷: ۱۹۵) تمسک به قاعده لاضرر را از باب امتنان دانسته و به جهت ممنوع بودن امتنان در حق غاصب، استناد به قاعده لاضرر را صحیح نمی‌دانند. دلیل اصلی ممنوع بودن امتنان در حق غاصب، شمول قاعده «يؤخذ الغاصب باشق الاحوال» نسبت به وی است. از آثار دیگر این قاعده این است که در تحقق ضمان ید، عنصر علم هیچ نقشی ندارد و قاعده علی‌البد می‌تواند شخصی را که بدون علم نسبت به مال دیگری متصرف شده، در بر بگیرد (محقق داماد، ۱۳۹۸: ۹۵-۹۴) و نتیجتاً مسئولیت عینی را متوجه او نماید. در واقع حالاتی که خسارات وارده به مال موضوع امانت، قابلیت استناد به رفتار امین را ندارد و یا حتی مستند به قوه قاهره است، نیز مشمول عموم «احوال» مندرج در قاعده مورد بحث بوده و در هر حال وی را مسئول قرار می‌دهد و این دقیقاً همان معنای مسئولیت عینی با مبنای مستقل «ضرر» است.





نتیجه‌گیری

مبنای مسئولیت مدنی در کامن‌لا، استناد خسارات وارده به رفتار فاعل زیان است و بالتبع، مسئولیت امین نیز چنین است. توجه کامن‌لا به تقصیر و گستردگی مطالب مربوط به آن، نباید این تصور را به وجود آورد که تقصیر فی‌نفسه مبنای مستقلی برای مسئولیت است. همین وضعیت در حقوق داخلی نیز حکم فرماست. یعنی مبنای مسئولیت مدنی، استناد خسارات وارده به عامل زیان است و اثبات تقصیر، صرفاً طریق اثبات این «قابلیت استناد» است. مسئولیت محض نیز برخلاف دیدگاه بسیاری از حقوق‌دانان کامن‌لا، استقلال مبنایی ندارد و صرفاً در مقایسه با حالتی که مسئولیت مبتنی بر تقصیر دانسته می‌شود، دفاعهایی را که در دسترس خواننده قرار دارد محدودتر می‌کند؛ ولی از حیث مبنایی، مبتنی بر همان قابلیت استناد خسارات وارده به رفتار مرتکب است. همین وضعیت در حقوق داخلی نیز جریان دارد.

برخلاف حقوق داخلی که مطالب گسترده‌ای درباره مسئولیت عینی در غصب و آنچه در حکم غصب است مطرح نموده، در کامن‌لا اثری از مسئولیت عینی نیست و حتی مسئولیت ناشی از فعالیتهای هسته‌ای یا تعهدات بیمه‌گر نیز نمی‌توانند مصداق آن باشند. در حقوق داخلی، خروج امین از حدود اذن باعث شمول احکام غصب و توجه مسئولیت عینی به او می‌شود. در حالی که حقوق‌دانان کامن‌لا در چنین حالتی صرفاً مسئولیت محض برای متصرف قائلند و در این باب هر چند توجه ویژه‌ای به وجود یا عدم وجود قرارداد میان مالک و امین دارند، اما در نهایت فرقی از حیث مبنای مسئولیت میان این دو حالت نمی‌گذارند و مسئولیت محض را متوجه امین می‌دانند که با اثبات دخالت قوه قاهره می‌تواند از این مسئولیت رهایی یابد.

اصولاً در هر دو نظام حقوقی مورد مطالعه، مسئولیت مدنی امین، تابع احکام و قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی است و از همان مبنا نیز برخوردار است. جز در یک مورد که مختص به حقوق داخلی می‌باشد و آن در جایی است که امین از حدود اذن فراتر رفته و مشمول احکام غصب گردد که با توجه به مطالب پیش گفته دارای مسئولیت عینی با مبنای





مستقل از مبنای اولیه و اساسی (که همان قابلیت استناد خسارت به رفتار مرتکب است) خواهد بود. البته مشروط بر آنکه زیان دیده، قصد طرح دعوی جبران خسارت از باب شمول احکام غصب را داشته باشد و ادعای خود را از باب نقض قرارداد مطرح ننماید. لذا در حقوق داخلی دو مبنا می‌تواند برای مسئولیت مدنی امین وجود داشته باشد: «قابلیت استناد» و «ضرر» درحالی که تنها مبنای موجود برای مسئولیت امین در کانون لا، «قابلیت استناد» است.

منابع

۱. آخوند خراسانی، شیخ محمد کاظم، ۱۴۰۶ق، حاشیه المکاسب، تهران، وزارت فرهنگ و انتشارات اسلامی، چ ۱.
۲. بهجت فومنی، محمد تقی، بی تا، رساله توضیح المسائل، قم، انتشارات شفق، چ ۲.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۶ش، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چ ۳۰.
۴. حسینی روحانی قمی، سید محمد صادق، ۱۳۷۶ق، منهاج الفقاهه، بی جا، چ ۳.
۵. حسینی، سید میر عبد الفتاح، ۱۴۱۷ق، العناوین الفقهیه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ ۲.
۶. حلی، ابومنصور جمال الدین حسن بن یوسف بی مطهر، بی تا، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع)، چ ۵.
۷. -----، ۱۴۱۴ق، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، چ ۱، ج ۱۳.
۸. داراب پور، مهرباب، ۱۳۸۷ش، اصول کلی مسئولیت مدنی در سیستم حقوقی انگلستان، فصلنامه دیدگاههای حقوق قضایی، ش ۴۴ و ۴۵.
۹. رشتی، میرزا حبیب ا...، بی تا، کتاب الغصب، بی جا.
۱۰. زراعت، عباس، ۱۳۹۲ش، تحریر العناوین (قواعد فقه به زبان ساده)، تهران، انتشارات جنگل، چ ۱.





۱۱. سبحانی، جعفر، درس خارج فقه، قواعد فقهیه، بررسی قاعده «علی الید ما أخذت حتی تؤدیه» مورخ ۹۲/۱۰/۲۱. مدرسه فقاہت: <http://bit.ly/2AebUhr>.
۱۲. صفایی، سیدحسین، ۱۳۹۷ش، حقوق بیع بین‌المللی بررسی کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چ ۸.
۱۳. صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌ا...، ۱۳۹۸ش، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران، انتشارات سمت، چ ۱۲.
۱۴. _____، ۱۳۹۷ش، مسئولیت مدنی تطبیقی، تهران، شهردانش، چ ۱.
۱۵. فاضل موحد لنکرانی، محمد، ۱۳۸۷ش، تفصیل الشریعه، قم، مرکز فقه ائمه الاطهار(ع)، چ ۱.
۱۶. قمی، میرزا ابوالقاسم، بی تا، جامع الشتات فی اجوبه السوالات، بی جا، چ ۲.
۱۷. کاتوزیان، امیرناصر، ۱۳۹۵ش، الزامهای خارج از قرارداد: «قواعد عمومی»، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱۴، چ ۱.
۱۸. _____، ۱۳۹۸ش، دوره مقدماتی حقوق مدنی، وقایع حقوقی مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات گنج دانش، چ ۳.
۱۹. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۹۸ش، قواعد فقه بخش مدنی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چ ۵۲.
۲۰. معتمدی، جواد و گوهریان، جواد، ۱۳۹۰ش، بررسی ضمانت اجرای غصب در نظام حقوقی کامن‌لا، ماهنامه کانون، ش ۱۱۷.
۲۱. مؤمنی، عابدین، ۱۳۸۰ش، قاعده مایضمن بصحیحه یضمن بفاسده، نشریه مقالات و بررسیها، دوره سی و چهارم، دفتر ۶۹.





۲۲. موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۹۲ ش، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چ ۱، ج ۲.

۲۳. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مقرر: میرزا محمد علی توحیدی تبریزی، ۱۳۷۷ق، مصباح الفقاهه، قم، مکتبه الداوری، ج ۳.

۲۴. نجفی، محمد حسن، ۱۹۸۱م، جواهر الکلام، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چ ۳، ج ۳۷.

۲۵. وحدتی شبیری، سید حسن، ۱۳۸۵ش، مبانی مسئولیت مدنی قراردادی (مطالعه تطبیقی در حقوق و فقه)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ ۱.

26. Bridge, M. (2015), Personal Property Law, United Kingdom: Oxford University Press, 4th Ed.
27. Clarke, A. Kohler, p. (2005), Property Law Commentary and Materials, United Kingdom: Cambridge University Press, 1st Ed..
28. Cooke, E. (2007), Modern Studies in Property Law (volume 4), United Kingdom: Hart Publishing, 1st Ed.
29. Dobson, P. (1991), Charlesworth's Business Law, United Kingdom: Sweet and Maxwell, 15th Ed.
30. Garner, B, A. (editor in chief). (2004), Black's Law Dictionary, United States: Thomson West, 8th Ed.
31. Helmholz, R, H. (1992), "Bailment Theories and the Liability of Bailees: The Elusive Uniform Standard of Reasonable Care," Kansas Law Review. vol41.
32. Hudson, A. (2004), New Perspectives on Property Law, Obligations and Restitution, United Kingdom: Cavendish Publishing Limited, 1st Ed.
33. Mann, R, A. Roberts, B, S. (2010), Essentials of Business and the Legal Environment, United States: South-Western Cengage Learning, 10th Ed.
34. Mayer, D. Warner, D, M. Siedel, G, J. Lieberman, J, K. (2012), The Law, Sales and Marketing, United States: M.D University College, 1st Ed.
35. Miller, R, L. Cross, F, B. (2001), The Legal and E-Commerce Environment Today: Business in the Ethical, Regulatory, and International Setting, United States: South Western Publishing Company, 6th Ed.

36. Miller, R, L. Jentz, G, A. (2010), Fundamentals of Business Law: Summerized Cases, United States: South-Western Cengage Learning, 8th Ed.
37. Newman, C, M. (2015), "Bailment and the Property/Contract Interface," George Mason University Legal Studies Research Paper Series.
38. Vera Bermingham, M, A. (2005), Tort in A Nutshell, United Kingdom: Sweet & Maxwell, 2nd Ed.
39. Zimmermann, R. (1990), The Law of Obligations, South Africa: Rustica Press, 1st Ed.



فصلنامه پژوهش حقوق اسلام و غرب سال پنجم - شماره یک - بهار ۱۳۹۹

